

گذری بر مسجد پیامبر(ص)

رسالت رسول خدا(ص) تحولی شگرف در همه جوانب عصر خویش و دیگر عصرها پدید آورد. با اینکه دعوت از قریشیان حدود سیزده سال طول کشید، ولی سرانجام رسول خدا(ص) به این نتیجه رسید که برای پشتیبانی از دعوت جدید، باید کسانی جز قریشیان را به دین خدا فرا خواند. در همین زمان مردم یثرب که در گذشته تاریخی خود تمدن را تجربه کرده بودند، التیام دردها و پاسخ نیازهای خود را در وجود پیامبر(ص) و دعوت او یافتند. بدین سبب او را به یثرب دعوت کردند و شهرشان را با نام پیامبر(ص) «مدینه النبی» نامیدند. از این به بعد عرب مدینه یاری دین خدا را به عهده گرفتند و انصار نامیده شدند. مدینه به شهری تبدیل شد که نخستین تجربه حکومت اسلامی در آن ظهور یافت و پیامبر(ص) در کنار مسئولیت رسالت، عهده دار رهبری حکومت اسلامی نیز شد.

یثرب یا مدینه النبی

پس از اینکه قریشیان و مقاومت آنان در برابر نشر اسلام در مکه به اوج خود رسید، پیامبر(ص) تصمیم گرفت با اصحاب خود به یثرب مهاجرت کند؛ از این رو به آنان فرمود: «[در خواب] خانه هجرت شما را در سرزمینی دارای نخل میان دو لابت(سنگلاخ) دیدم [1]». «یا فرمود: «در خواب دیدم که من از مکه به سرزمینی دارای نخل مهاجرت می کنم؛ گمان کردم آن یمامه یا حجر است اما آن شهر یثرب است [2]».

مدینه به دلیل حره ها و نخلستان های انبوهش از قدیم میان عرب مشهور بود و شایستگی آن را داشت که مرکز اسلام قرار گیرد؛ از این رو پیامبر(ص) نام آن را میان چند شهر زراعی عربی قرار داد [3]. از گذشته های دور قبایل عرب از جمله عمالیق، در مدینه سکونت داشتند. پس از آن برخی قبایل یهودی، عرب و دیگران از جمله کسانی که به هنگام ظهور اسلام به شکل قبایل بزرگی شناخته می شدند؛ مانند بنی قینقاع، بنی قریظه و بنی نظیر از یهود و اوس و خزرج از عرب به آن وارد شدند [4].

نام اسلامی دارالهِجره مسلمانان، مدینه یا مدینه الرسول است که جای نام قدیم آن، یثرب را گرفت. مورخان مسلمان، درباره نام یثرب چنین ذکر کرده اند که آن شهر به دلیل انتساب به «یثرب بن هذیل بن ارم» بدین نام شناخته می شود که نخستین بار او و قومش پس از پراکنده شدن قوم عاد، به این شهر وارد شدند [5]. هم چنین گفته می شود که یثرب، منسوب به «یثرب بن قانیة بن مهلائیل بن ارم بن عییل بن اوس بن ارم بن سالم بن نوح» است و به دلیل بزرگداشت او، این شهر یثرب خوانده می شود [6]. بنابراین نام یثرب، نامی قدیمی است. گفته می شود در وادی عقیق، سنگ نوشته ای پیدا شده و ابن زبالة آن را نقل کرده است که در آن سنگ نوشته چنین آمده است: «من بنده خدا، رسول خدا، سلیمان بن داوود به سوی اهل یثرب هستم [7]».

ساخت مسجد توسط پیامبر(ص) در مدینه

پیش از هجرت رسول خدا(ص) به مدینه، تنی چند از اصحاب به یثرب رفته و در قبا سکونت کردند. سپس رسول خدا(ص) در آغاز ماه ربیع الاول راهی یثرب شد. نخستین اقدام پیامبر(ص) ساختن مسجد بود؛ جایگاهی که افزون بر یک مرکز عبادی، مرکزیت فرهنگی، سیاسی و اداری نیز داشت و یکی از تکیه گاه های اصلی اسلام در میان مسلمانان بود. البته پیش از آن در قبا نیز مسجدی به دست پیامبر(ص) و اصحاب آن حضرت ساخته شده بود.

زمانی که رسول خدا(ص) وارد یثرب شد، همه طوایف و افراد سرشناس این شهر مایل بودند تا حضرت به منزل ایشان وارد شود و هر یک از آنان دوست داشتند میزبان حضرت باشند، اما آن حضرت فرمود در جایی توقف خواهد کرد که شترش زانو بزند. شتر در زمینی که اکنون مسجد است، زانو زد. نزدیک ترین خانه به محل زانو زدن شتر، خانه ابویوب انصاری بود و حضرت در آنجا اقامت گزید. بخشی از زمینی که در همان نزدیکی جهت مسجد در نظر گرفته شد، دارای درخت های نخل بود. بخشی از آن هم قبرستان بود که هنوز آثار قبور در آن وجود داشت. قسمتی هم از آن دو کودک یتیم به نام های سهل و سهیل بود که حضرت آن را از ولیّ آنان خرید. پس از آن درخت ها را کنده و قبور را صاف کردند و زمین را برای بنای مسجد آماده ساختند.

چندی پس از ورود رسول خدا(ص) به شهر، سنگ بنای مسجد نهاده شد و همه اصحاب از زن و مرد با اشتیاق شروع به ساختن مسجد کردند. رسول خدا(ص) نیز با تمام توان در ساختن مسجد شرکت کرد. مسجدی که رسول خدا(ص) بنا کرد، از جهات زیادی با آنچه امروز در جای آن ساخته شده، تفاوت دارد؛ زیرا در زمینی محدودتر، با بنایی ساده تر و خلوص بیشتر بنا شده بود. طول مسجد هفتاد ذراع و عرض آن شصت ذراع - هر ذراع حدود نیم متر - و ارتفاع آن ۱/۷۵ متر بود؛ به طوری که سر برخی افراد به سقف می رسید. نخستین بنای آن از شاخ و برگ و تنه درخت و پس از سال چهارم هجری، از خشت و گل بود[8].

در آغاز، قبله مسجد به سمت شمال و جهت بیت المقدس بود. پس از تغییر قبله، بخش مسقف مسجد به جهت جنوبی منتقل شد و صفه به شمال مسجد انتقال یافت. در سال هفتم، با گسترش اسلام و افزایش شمار مسلمانان، ضرورت توسعه مسجد مطرح شد. رسول خدا(ص) بر طول و عرض مسجد افزود و مساحت آن به ۲۴۷۵ متر مربع رسید. در حال حاضر نرده های فلزی طلایی رنگ که در جنوب مسجد - سمت قبله - قرار دارد و از شرق تا غرب مسجد است، حد جنوبی مسجد زمان رسول خداست. ستون های نصب شده توسط سلطان عبدالحمید عثمانی در انتهای رواق نخست مسجد که مشرف بر حیاط اول است، حد شمالی مسجدالنبی است. این ستون ها برابر باب النساء قرار دارد.

حد شرقی مسجد در سمت مدفن پیامبر(ص) پنجمین ستون در سمت چپ مسجد و به قدر چهار ذراع داخل در محلی است که شبکه های فلزی دور آن کشیده شده و مدفن پیامبر(ص) است. حد غربی مسجد نیز پنجمین ستون راست منبر در سمت غرب است که در حال حاضر روی ستون های آن قسمت نوشته شده است: «حد

مسجدالنبی». در مجموع مقدار ده ستون در ده ستون، حد مسجدالنبی است. ستون های مزبور سبز رنگ است. در قسمت اصلی رنگ ستون ها، محدوده روضه را از دیدگاه اهل سنت نشان می دهد. نوعی دیگر از ستون ها که متفاوت با دسته نخست است، حد مسجد تا سال هفتم را معین می کند و تا ده ستون، حد مسجد تا سال دهم هجرت را مشخص می کند [9].

قسمت های داخلی مسجدالنبی

مسجد رسول خدا(ص) در آغاز عبارت از زمینی بود که حصارى گلین در اطراف آن کشیده شده بود. بر فراز بخشی از آن نیز سقفی از شاخه های خرما بود که مانع تابش آفتاب بر نمازگزاران می شد. با این حال به تناسب مسجد بودن و نیز به تناسب آنکه ساختمانی برای عبادت بود، قسمت های مختلفی داشت. یادگارهای رسول خدا(ص) در گوشه و کنار آن، در ایجاد آثار خاص مذهبی مؤثر بود؛ آثاری که هر یک نشانه ای از معنویت اصل این مسجد است.

روضه شریفه

قسمتی از مسجد النبى که در ناحیه جنوب شرقی (رو به سوی قبله) مسجد قرار دارد و حد فاصل میان منبر و قبر پیامبر(ص) است به نام روضه مطهره و روضه شریفه شناخته می شود و فضیلت بسیاری دارد. در حدیثی از رسول خدا(ص) آمده است: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنبَرِي عَلَى تُرَعِ الْجَنَّةِ؛ فاصله بیت و منبر من باغی است از باغ های بهشت و منبر من، در کنار دری از درهای بهشت قرار گرفته است [10].»

علمای شیعه درباره تعریف روضه بر این باورند که روضه از دیوار محراب در جنوب - که امروزه با نرده های فلزی مشخص است - آغاز و در شمال به چهارمین ستون منتهی می شود؛ یعنی یک ستون علاوه بر آنچه اهل سنت می گویند و حد دوم آن در داخل بیت پیامبر(ص) و بیت فاطمه الزهرا(س) است و در سمت غرب برابر منبر شریف می باشد [11].

حجره و مرقد مطهر رسول خدا(ص)

یکی از بهترین نقاط مسجد، مدفن رسول خدا(ص) است. به هنگام تأسیس مسجد، در کناره شرقی آن حجره هایی برای زندگی پیامبر(ص) و همسرانش ساخته شد که تا حدود نود سال پس از رحلت آن حضرت نیز سرپا بود. مورخان نوشته اند که رسول خدا(ص) در همان حجره ای که وفات یافت، مدفون شد. زمانی که پیامبر(ص) دفن شد و سپس ابوبکر و عمر را در کنار آن حضرت دفن کردند، به تدریج میان حجره متعلق به عایشه و این قسم

پرده (و سپس در روزگار عمر دیوار کوتاهی) کشیده شد. در زمان ولید که قسمت شرقی مسجد توسعه یافت، مرقد مطهر در حالی که گرد آن یک پنج ضلعی کشیده شد، داخل مسجد گردید.

منبر

یکی از مکان های مقدس مسجد، محل منبر رسول خدا(ص) است. در روایات زیادی نقل شده که پیامبر(ص) در آغاز با تکیه بر درخت خرمایی به ایراد خطبه می پرداخت تا اینکه یکی از اصحاب پیشنهاد ساختن منبری را داد تا رسول خدا(ص) بر روی آن بنشیند و هم مردم او را ببینند و هم آن حضرت از ایستادن خسته نشود. در برخی دیگر از نقل ها آمده است که پیش از آن، سکویی از گل ساخته بودند که حضرت روی آن می نشست و در سال هفتم هجرت بود که منبری چوبی ساختند. این منبر سه پله ای تا زمان معاویه مورد استفاده قرار می گرفت. بعدها که معاویه خواست آن را به شام ببرد، با اعتراض گسترده مردم مدینه رو به رو شد. در سال ۶۵۴ که مسجد نبوی آتش گرفت، منبر سوخت که سوخته آن را در محلی که اکنون منبر فعلی قرار دارد، دفن کردند.

محراب

محراب در محلی ساخته شد که رسول خدا(ص) در آنجا نماز می گزارد. البته در زمان پیامبر(ص) و تا چند دهه بعد چیزی به نام محراب وجود نداشت و مسلمانان تنها با نام آن، که در قرآن آمده و مربوط به حضرت مریم(س) است، آشنا بودند. زمانی که ولید دستور توسعه مسجد را داد و عمر بن عبدالعزیز آن را اجرا کرد، در جایگاه نماز رسول خدا(ص) محرابی ساخته شد. چنین اقدامی به تقلید آنچه در کلیساهای نصارا در شام بوده، صورت گرفت. این محراب در طول زمان دچار دگرگونی هایی شده و بنای فعلی آن از دوره سلطان اشرف قایتبای که از سلاطین مملوکی مصر بوده، باقی مانده و در دوره عثمانی تزئیناتی با آیات قرآن در آن صورت گرفت.

علاوه بر محراب اصلی، دو محراب دیگر در سمت قبله مسجد وجود دارد؛ یکی محراب عثمانی منسوب به سلاطین عثمانی که در دیوار جنوبی مسجد است و دوم محراب سلیمانی متعلق به سلطان سلیمان عثمانی یا محراب حنفی که در سمت مغرب محراب رسول خدا(ص) است [12].

ستون های مسجد

سقف مسجد بر ستون هایی قرار دارد که علاوه بر نگهداری از سقف، مورد استفاده رسول خدا(ص) و اصحاب نیز بود. از هر ستون خاطره ویژه ای به جا مانده که سبب شده است جنبه تبرک و تقدس به خود گیرد و با گرفتن نام هایی خاص در تاریخ جاودان بماند. با توسعه مسجد، ستون های جدیدی اضافه شد؛ به طوری که اکنون ۲۱۰۴

ستون در مسجد وجود دارد. ستون های قدیمی که در قسمت جنوبی مسجد قرار دارد، اکنون با رنگ سفید از بقیه ستون ها متمایز است.

ستون حَرَس

نام گذاری این ستون از این جهت است که امام علی(ع) در کنار آن می نشست و از پیامبر(ص) نگهبانی می کرد. پس از نزول آیه ۶۷ سوره مائده، دیگر امام(ع) به نگهبانی از رسول خدا(ص) پرداخت. هم چنین نوشته اند این ستون محل اقامه نماز توسط امام علی(ع) بوده است.

ستون توبه

یادآور خاطره یکی از اصحاب رسول خدا(ص) به نام شبیر بن عبدالمنذر انصاری مشهور به ابولبابه است. وی در جنگ خندق از سوی رسول خدا(ص) نزد بنی قریظه رفت تا با آنان سخن بگوید. از روی بی توجهی به اشاره به آنان گفت چون نقض عهد کرده اند، مرگ در انتظار آنان است. این سخن وی می توانست بنی قریظه را به دفاعی سخت در برابر مسلمانان وادار کند. او که متوجه خطای خود شده بود، به مسجد رفت و خود را به یکی از ستون ها بست و گریست و نماز خواند تا خداوند توبه او را پذیرفت و این ستون به نام ستون توبه معروف شد.

ستون وفود

یکی از کارهای رسول خدا(ص) ملاقات با سران قبایل برای آشنا ساختن آنان با اسلام یا مذاکرات سیاسی بود. حضرت محلی را در مسجد به این امر اختصاص داده بود که همیشه در همان مکان هیأت ها را به حضور می پذیرفت. این ملاقات ها در کنار ستونی از ستون های مسجد بود که بعدها به نام ستون وفود معروف شد. این ستون را مجلس القلاده نیز گفته اند؛ زیرا بزرگان صحابه در کنار آن می نشستند و به گفتگو می پرداختند.

ستون سریر

از دیگر ستون های مسجد محلی بود که رسول خدا(ص) ایام اعتکاف را در آنجا به سر می برد. اصحاب در آنجا برگ هایی از درخت خرما پهن می کردند تا رسول خدا(ص) روی آن استراحت کند. این محل که در کنار همین ستون قرار داشته، به عنوان جایی که تخت خواب رسول خدا(ص) بوده، شناخته شده است. سریر به معنای تخت است.

ستون قرعه، عایشه، مهاجرین

برای این ستون، سه نام گفته اند. قرعه، از آن رو که عایشه نقل کرد که رسول خدا(ص) فرمود: در کنار این ستون زمینی است که اگر مردم اهمیت آن را می شناختند، برای نماز خواندن در آنجا میان خود قرعه می انداختند. هم چنین نام گذاری به نام عایشه از آن روست که وی این حدیث را روایت کرده و فضیلت آن را گوشزد کرده است. پس از آن به دلیل اجتماع مهاجرین در کنار آن، آن را ستون مهاجرین نامیدند[13].

ستون حنانه

رسول خدا(ص) در آغاز و زمانی که هنوز منبر ساخته نشده بود، بر تنه درخت خرمایی تکیه می کرد و خطبه می خواند. زمانی که برای آن حضرت منبر ساخته شد و برای ایراد سخنرانی روی منبر قرار گرفت، از این درخت ناله ای شبیه ناله شتر ماده ای که از بچه خود جدا شود، برخاست که به همین دلیل به ستونی که در محل آن بنا شد، حنانه می گویند. پیامبر(ص) دستور داد تا آن درخت را در همانجا دفن کردند [14]. این ستون در غرب محراب قرار دارد.

ستون مربعه القبر یا مقام جبرئیل

این محل بدان جهت به عنوان مقام جبرئیل شناخته شده که ملک مقرب از آنجا بر رسول خدا(ص) وارد می شد و خدمت حضرت می رسید. اینجا در ورودی خانه حضرت زهرا(س) نیز بوده است [15]. نام دیگر این محل، ستون مربعه القبر نیز می باشد که اکنون در داخل حجره شریفه واقع است و قرن هاست که قابل دسترسی نیست. این نقطه در محل تلاقی دیوار غربی به سمت دیوار شمال حجره است. در فضیلت این ستون که باب خانه حضرت زهرا(س) نیز بوده، آمده که رسول خدا(ص) چهل روز صبح گاهان به کنار این در می رفت و خطاب به اهل خانه که امام علی(ع)، حضرت زهرا(س) و حسن(ع) بودند، می فرمود: السلام علیکم یا اهل البیت و سپس آیه ((وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِکُمْ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرَّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطِيعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا)) [16] را می خواند [17].

ستون تهجد

در ادامه دیوار شمالی به سمت شرق و در انتهای دیوار شمالی خانه حضرت زهرا(س)، محراب تهجد قرار دارد. کسی که در این محراب بایستد، سمت چپ او باب جبرئیل و سمت راست او مقام جبرئیل است. این مکان در زمان پیامبر(ص) خارج از مسجد بوده است. بنابراین اینجا مکانی است که رسول خدا(ص) در آن اقامه نماز شب می کرده است. بر اساس برخی نقل ها رسول خدا(ص) هر شب وقتی همه مردم به خواب می رفتند، در پشت خانه امام علی(ع) حصیری می انداخت و نماز شب می خواند [18].

ستون مخلّقه

خلوق به معنای عطر است و مخلّقه به معنای معطر. ستون مخلّقه، ستونی است که بر آن عود می نهادند و آن فضای مسجد را معطر می کرد. این رسم از زمان مهدی عباسی و توسط همسر او خیزران باب شد و پس از آن ادامه یافت. گفته اند سلمه بن اکوع، صحابی پیامبر(ص) به دلیل اعتقادش به تبرک، همیشه در کنار این ستون نماز می گزارد و می گفت پیامبر(ص) را در کنار این ستون، در حال نماز دیده است. نوشته اند که وقتی قبله تغییر کرد، این ستون تا چندین روز در مقابل پیامبر خدا(ص) قرار داشت و در واقع علم قبله به حساب می آمد. گویا قسمتی از این ستون که در نزدیکی محراب قرار دارد، در داخل محراب واقع شده است.

حدیقۀ الزهرا

در گذشته در زاویۀ شرقی حیات اول مسجد، چندین درخت نخل بوده است. بعدها یک درخت سدر و نیز درختی به نام حمره در کنار نخل ها کاشته شده است. گویا بعدها به دلیل نزدیکی آن به محراب تهجد و خانۀ حضرت زهرا(س)، آن را حدیقۀ الزهرا می نامیده اند. تصویر این درختان در عکس های قدیمی به جای مانده است.

نام مبارک دوازده امام معصوم(ع) همراه با نام عشیرۀ مبشره و اسامی چهار امام مذهب اهل سنت بر اطراف دیوار حیات اول و دوم به خطی زیبا نوشته شده است. در میان آن ها نام امام زمان(عج) به صورت محمدالمهدی آمده و به گونه ای نوشته شده که از دور «حی»، یعنی زنده خوانده می شود.

صفّه

زمانی که مسلمانان مکه و نواحی اطراف به دستور رسول خدا(ص) به مدینه هجرت کردند، شهر امکان پذیرایی از تمامی آنان را نداشت. انصار با گذشت، گروه بسیاری از آنان را به خانه های خود بردند و برخی دارایی های خود را با آنان تقسیم کردند، اما برخی از مهاجران هم چنان بدون سرپناه باقی ماندند. چندی طول کشید تا مسکن و مأوایی بیابند و کاری را پیشۀ خود سازند و درآمدی به دست آورند. این دسته از مهاجران فقیر در قسمتی از مسجد که برای آنان در نظر گرفته شده بود، اسکان داده شدند. این محل سقفی داشت تا آنان از تابش خورشید در امان باشند و بتوانند در سایۀ آن بیاسایند. برخی از چهره های معروف صفّه نشینان عبارتند از: ابوذر غفاری، سلمان فارسی، عبدالله بن مسعود، مقداد بن اسود، حذیفه بن یمان، صهیب رومی و بلال.

زمینی که به اهل صفّه اختصاص داده شده بود، مساحتی ۹۶ متری و مسقف بود که در منتهی الیه شرقی مسجد و به عبارتی در انتهای مسجد، کنارۀ دیوار شمالی آن قرار داشت. بنابراین جایی که امروزه به عنوان صفّه نشان می دهند، در اصل «دکۀ الاغوات» - دکۀ آغایان یا خواجگان حرم - نام دارد و نباید محل اصلی صفّه باشد؛ بلکه صفّه در غرب آن و داخل مسجد زمان پیامبر(ص) قرار داشته است [19].

گنبد سبز

در سال ۶۷۸ توسط سلطان قلاوود مملوکی، گنبدی بر روی مرقد مطهر بنا شد، در حالی که تا پیش از آن، تنها دیوار این قسمت، قدری از دیوار بخش های مسجد بالاتر بود. در آتش سوزی سال ۸۸۶، آسیب زیادی به مقصوره و گنبد رسید، اما حجره شریفه یعنی محدوده مرقد آسیبی ندید. در سال بعد سلطان قایتبای گنبد را از نو بنا کرد. در روزگار سلطان عبدالحمید عثمانی گنبد روی مرقد را به رنگ سبز کردند و از این زمان به بعد به قبه الخضرا شهرت یافت.

در پایین گنبد، سوراخی باز کرده اند که میان قبر و آسمان فاصله نباشد. داستان این محفظه از این قرار است که وقتی در مدینه باران نیامد، مردم در این باره از عایشه استمداد کردند. او گفته که متوجه قبر پیامبر(ص) شوید. همسر پیامبر(ص) برخلاف کسانی که به تبرک و توسل اعتقادی ندارند و برای قبر ارزشی قائل نیستند، مردم را به قبر آن حضرت هدایت کرد. از زمانی که گنبد روی مرقد بنا شد، این محفظه را در ادامه آن سنت باقی گذاشتند تا در وقت کم بارانی، آن را بگشایند و از خداوند طلب باران کنند [20].

درهای مسجد

در بنای آغازین و زمان پیامبر(ص) سه در برای مسجد ساخته شد. در بخش شرقی، باب جبرئیل بود که زمانی باب آل عثمان و باب النبی نیز نامیده می شد. محل اصلی این باب در دیوار شرقی مسجد، حدود دو متر بالاتر از نقطه تلاقی ضلع غربی حجره شریفه با دیوار شمالی بوده است. در واقع باب جبرئیل فعلی با دقت در برابر در اصلی قرار ندارد و قدری شمالی تر از محل اصلی آن است.

باب غربی مسجد، باب عاتکه است که در حال حاضر به باب الرحمه مشهور است. نام گذاری این در به باب رحمت، بر پایه حدیثی از رسول خدا(ص) است که شخصی از این در وارد شد و از خداوند طلب نزول باران کرد و پس از هفت روز به خواسته همان شخص که از همین در آمده بود، تقاضای قطع باران شد. در سوم نیز تا پیش از تغییر قبله در دیواره جنوبی مسجد و در میان محراب حضرت و حجره شریف بود که بعدها با تغییر قبله به دیوار شمالی منتقل گردید.

از زمانی که حجراتی در کنار دیواره های شرقی و غربی و شمالی مسجد ساخته شد، از هر یک از حجرات دری نیز به مسجد گشوده شد که صاحب آن خانه از آنجا وارد مسجد می شد. در سال سوم هجرت اندکی پیش از غزوه احد، فرمانی از سوی رسول خدا(ص) و در واقع از سوی خدا صادر شد که همه درها بسته شود، مگر در خانه امام علی(ع) [21].

مناره های مسجد

در بنای نخستین مسجد و توسعه های بعد از آن تا زمان ولید بن عبدالملک، هیچ گونه مناره ای وجود نداشته است. در آن زمان تنها مؤذن بر بام مرتفعی قرار می گرفت و ندای اذان سر می داد. به دستور ولید چهار مناره بر چهارگوشه مسجد النبی ساخته شد. در گذر زمان این مناره ها جای خود را به مناره های بزرگ تر و مستحکم تر داد. بعدها مناره های جدیدی برای مسجد ساخته شد. چهار مناره اصلی عبارتند از: مناره سلیمانیه و مناره مجیدیه که در دو سوی ضلع شمالی قرار گرفته و هر دو در دوره سعودی از بین رفته و مناره های جدیدی جایگزین آن ها شده است. سومین مناره در ضلع جنوب شرقی در کنار قبة الخضر است که به مناره رئیسیه شهرت دارد. مناره دیگر در ضلع غربی است که به نام مناره باب السلام شهرت دارد؛ چرا که در کنار باب السلام است. در افزوده های جدید مسجد که در دوره فهد انجام شد، شش مناره دیگر به مناره های مسجد افزوده شد [22].

پی نوشت:

- [1] السیره النبویه، ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۱۳.
- [2] همان.
- [3] طبقات الکبری، ابن سعد، ج ۳، ص ۲۱۴.
- [4] تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۴.
- [5] عقدالجمان، بدرالدین محمود عینی، ج ۱، ص ۳۲.
- [6] وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۱، ص ۱۵۶.
- [7] همان، ص ۱۵۸.
- [8] همان، ص ۳۲۷.
- [9] ر.ک: آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، ص ۲۰۵ - ۲۰۲.
- [10] کافی، ج ۴، ص ۵۵۴.
- [11] همان؛ در این روایت امام صادق (ع) فاصله چهارستون را از منبر به سمت حیاط مسجد، محدوده روضه دانسته و چیزی از صحن را داخل در روضه ندانسته است.

- [12]. مدینه شناسی، محمدباقر نجفی، ج ۱، ص ۹۴.
- [13]. رک: آثار اسلامی مکه و مدینه، همان، ص ۲۲۴ - ۲۲۹.
- [14]. قصص الانبیا، راوندی، ص ۳۱۱.
- [15]. وفاء الوفاء، همان، ج ۲، ص ۴۵۰.
- [16]. احزاب (۳۳) : ۳۳.
- [17]. مسجد شریف نبوی، ناجی محمدحسن انصاری، ترجمه عبدالحمید آیتی، ص ۷۶.
- [18]. الحج و العمره فی الکتاب و السنه، محمدی ری شهری، ص ۴۶۹.
- [19]. رک: آثار اسلامی مکه و مدینه، همان، ص ۲۲۸ - ۲۳۳.
- [20]. نزهة الناظرین، مدنی برزنجی، ص ۱۹۳.
- [21]. رک: وفاء الوفاء، همان، ج ۲، ص ۲۲۱؛ تاریخ مدینه منوره، ابن شیبہ نمیری، ترجمه حسین صابری، ج ۱، ص ۵.
- [22]. رک: آثار اسلامی مکه و مدینه، همان، ص ۲۳۴ - ۲۳۸.